

تعریف و تاریخچه مالیات در کشور

دکتر امیر محمد راکعی

تابستان ۹۸

در فرهنگ معین پولی که دولت برای کارهای عمومی و اداره کشور از مردم می‌گیرد را مالیات تعریف کرده است.

این هزینه‌ها از محل درآمدهایی که از مردم اخذ می‌شود تامین می‌گردد. دولت‌ها خودشان را در بخشی از سود فعالیت‌های اقتصادی سهیم میدانند چرا که معتقد هستند که ابزار و امکانات و امنیت دستیابی به درآمد و سودها را دولت فراهم ساخته است.

در تاریخ کشور هم در زمان داریوش اول براساس وسعت خاک و ثروت، مالیاتی به نام تالان نقره دریافت می‌شده است. اولین قانون مالیات بر درآمد در ایران سال ۱۳۰۹ وضع شده است که بیشتر شامل شرکت‌ها، بازرگانان، مشاغل آزاد و حقوق‌بگیران بوده است. این تاریخچه به اینجا ختم می‌شود که در اصل ۵۱ قانون اساسی کشورمان آمده است که:

هیچ مالیاتی وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون

لزوم پرداخت مالیات

مالیات و پرداخت آن یکی از فاکتورهای رشد و ارتقا جامعه به حساب می‌آید و در سایه این رشد رونق اقتصادی، رسیدن به عدالت اجتماعی و همچنین افزایش خدمات و آبادانی کشور به دست می‌آید. چند سالی هست که بحث نظام جامع مالیاتی در محافل وجود دارد که چنانچه این نظام جامع مستقر گردد یکی از اهداف برقراری آن توزیع عادلانه تر درآمد و ثروت در بین افراد کشور است.

با توجه به شرایط کشور و سیاست‌های داخلی و خارجی کشور لزوم عدم وابستگی به نفت بیش از پیش حس می‌شود. پس برنامه ریزی برای وصول کامل مالیات و جایگزین کردن درآمدهای مالیاتی به جای درآمدهای نفتی از بنیان‌های توسعه اقتصادی کشور است. مالیات عامل منفی برای رشد تقاضا در کالاهای مصرفی

است. که هم می تواند اثر مستقیم بر روی کاهش نقدینگی اشخاص گذاشته (کاهش خرید کالای مصرفی) و هم به طور غیر مستقیم مالیات وضع شده بر روی کالاهای مصرفی و غیر ضروری باعث کاهش قدرت خرید آنها شود. اقتصاددانان از مالیات بر مصرف بیشتر از مالیات بر درآمد حمایت می کنند.

یکی از معانی توسعه در هر کشور به ارمغان آوردن رفاه اجتماعی برای آحاد مردم است. در هنگامی که توزیع درآمدها به صورت عادلانه صورت گیرد آحاد مردم نیز می توانند نیازهای اصلی زندگی خود را به راحتی تامین نمایند.

دولت با مالیات مستقیم در پی این رویکرد است اما دولت ها بایستی این را هم بدانند که مالیات ها می توانند تاثیر معکوس بر سرمایه گذاری های مولد داشته باشند (یکی از راهها که بتواند این اثر را کاهش دهد ایجاد طرح های حمایتی از تولید و معافیت ها و بخشودگی در این بخش ها می باشد)

به عنوان مثال در لایحه بودجه ۹۸ آمده است چنانچه در معاملات پیمانکاری که کارفرما یکی از دستگاه های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری است، کارفرما موظف است همزمان با هر پرداخت، مالیات ارزش افزوده متناسب با آن را به پیمانکار پرداخت کند. تا زمانی که کارفرما مالیات بر ارزش افزوده را به پیمانکار پرداخت نکرده باشد، سازمان امور مالیاتی کشور حق مطالبه آن را از پیمانکار یا اخذ جریمه دیرکرد از وی نخواهد داشت و در مواردی که بدهی کارفرما به پیمانکار به صورت اسناد خزانه اسلامی پرداخت می شود در صورت درخواست پیمانکار کارفرما موظف است این اوراق را عیناً به سازمان امور مالیاتی کشور تحویل دهد. سازمان امور مالیاتی معادل مبلغ اسمی اوراق تحویلی را از بدهی مالیاتی پیمانکار کسر و اسناد مذکور را به خزانه داری کل کشور ارائه می کند. خزانه داری کل کشور موظف است معادل مبلغ اسمی اسناد خزانه تحویلی را به عنوان وصولی مالیات منظور کند.

ما اگر بخواهیم که رونق اقتصادی در کشور به معنای کامل داشته باشیم بایستی نقش بخش خصوصی را پررنگ تر در این زمینه نماییم تا الان بخش خصوصی به علت کمبود سرمایه و یا سرمایه گذاری در کانال های غیر مولد و کوتاه مدت نقش قابل توجهی در رونق اقتصادی بازی نمی کرد اما دولت می تواند با اعمال مالیات های مستقیم بر املاک، درآمد، زمین، طلا، ثروت و ... درآمدهای اضافی را جذب کند و در پروژه های مولد به کار گیرد.

البته در این راستا مهمترین و کاملترین نقش برای دولت نقش هدایت و نظارت است.

با توجه به این توضیحات برای به دست آوردن یک نظام جامع مالیاتی کارآمد ابتدا باید با یک رویکرد عارضه شناسی نظام مالیاتی را مورد بررسی قرار داد.



در نظام مالیاتی با سه رکن روبرو هستیم:

- ✓ قوانین و مقررات مالیاتی
- ✓ سازمان اجرایی
- ✓ مودیان مالیاتی

در خصوص قوانین که مجوز وصول مالیات از مودیان از طرف دولت حساب میشود بایستی اذعان نمود که بهره مندی از نظام مالیاتی با راندمان بالا در گرو داشتن قوانین و مقررات کارا و اثربخش خواهد بود پس همیشه بایستی همانند یک فرایند در خصوص قوانین دیدگاه بهبود مستمر داشت. در سالهای نه چندان دور (۱۳۹۰) وزارت اقتصاد چندین نقطه ضعف برای قوانین برشمرده که از جمله:

- ✓ پیچیدگی و عدم جامعیت
- ✓ وجود معافیت های کلی و گسترده در عین حال ناکارآمد
- ✓ ضعف در ضمانت های اجرایی
- ✓ محدودیت در پایه های مالیاتی

دومین رکن سازمان اجرایی یا همان سازمان امور مالیاتی کشور است که عملکرد آنان تاثیر مستقیم بر تمکین مالیاتی و هزینه های وصول مالیات دارد. این دستگاه در سالهای اخیر با توجه به

- ✓ ضعف در زیرساخت های فناوری اطلاعات
- ✓ عدم وجود و بهره مندی از پایگاه جامع اطلاعات مودیان
- ✓ عدم ارتباط اطلاعاتی میان تشکیلات اجرایی
- ✓ فرایند ناکارآمد اخذ مالیات

با راندمان پائینی فعالیت نموده است.

رکن آخر مودیان مالیاتی هستند چگونگی و میزان تمکین مودیان علاوه بر اینکه به دو رکن قبلی بستگی دارد به فرهنگ عمومی جامعه در مقوله مالیات نیز وابسته است. چنانچه اگر دو رکن قبلی در حالت ایده آل هم باشند اما سطح فرهنگ عمومی جامعه سطح مناسبی نباشد فرایند مالیات به حالت ایده آل خود نخواهد رسید.

پائین بودن این فرهنگ ریشه در

✓ عدم اطلاع رسانی صحیح در چگونگی هزینه کردن درآمدهای مالیاتی (مالیاتیهای پرداخت شده) توسط دولت ها در سالهای گذشته

✓ احساس وجود تبعیض مالیاتی در هنگام برخورد با مودیان همسان نیز دارد.

در ایران بیشترین ترکیب مالیاتی اخذ شده برای مالیاتیهایی هست که هزینه وصول کمتری یا به عبارت دیگر مالیات های سهل الوصول باشند همانند مالیات عملکرد شرکت ها، حقوق و واردات و صادرات. اما یکی از بهترین و کارآمدترین مالیات ها میتواند مالیات بر ثروت باشد که در این راستا گامهای مثبتی برداشته شده است که در آینده نزدیک به ثمرنهایی خواهد رسید.

این روزها در کشور بحث فرار مالیاتی داغ است و به عنوان مثال از فرار مالیاتی پزشکان و یا وکلا زیاد اسم برده میشود اما آیا به واقع اینها فرار مالیاتی است؟

در مقوله مالیات ما با دو مفهوم "اجتناب مالیاتی" و "فرار مالیاتی" روبرو هستیم البته که هر دو باعث کاهش درآمد مالیاتی میشود اما از نظر ماهیت و عوامل کاملاً متفاوت از هم هستند. اجتناب مالیاتی بیشتر به عواملی همانند نقاط ضعف قانونی در آن دخیل است.

در صورتی که فرار مالیاتی بیشتر قوانین نقض شده و شرکت ها بیشتر به دنبال کاهش (کتمان) درآمد مشمول مالیات هستند. به عقیده شخصی این حجم فرار مالیاتی در سالهای آخر عمر خود به سر میرد.

با کار شدن قوانین و همچنین بالا بردن اطلاعات مودیان در خصوص قوانین و معافیت ها ... در زمینه های مالیات اشخاص حقیقی و حقوقی که یکی از راههای آن استفاده از مشاوران و افراد متخصص در این امر می باشد می توان مالیات درست و مناسب و به جا پرداخت کرد و از جرائم مالیاتی که خود رقم قابل ملاحظه ای است دوری کرد.

در سال گذشته تجربه کاری داشتم که به عنوان مشاور مالیاتی در سازمان پزشکی و با معاونت فنی آن سازمان همکاری داشته و سمینار و همایش های مختلفی در سطح جامعه پزشکان و بیمارستانهای بزرگ برگزار شد.

یکی از مشکلات مشترک تمامی آنها وجود جرائم مالیاتی بود که فقط و فقط به پایین بودن اطلاعات و قوانین مالیاتی مودیان برمی گشت که به نظر میرسد مناسب ترین راهکار برای کاهش و یا به صفر رساندن جرائم مالیاتی دانستن قوانین و انجام تکالیف در موعد مقرر می باشد.

بسیاری از مودیان با جرائم گزارش فصلی (ماده ۱۶۹) برخورد دارند. در گزارشات فصلی طبق آیین نامه ماده ۱۶۹ مودیان بایستی اطلاعاتی از جمله خرید و فروش و ... هر فصل خود را به اداره مالیات اعلام دارند.

سازمان امور مالیاتی صرفا به علت اینکه مودیان این تکالیف خود را به نحو احسن انجام نمی دهند جرائم بزرگی اخذ کرده توصیه بنده به مودیان این است که به جای اینکه انرژی و ذهن خود را در خصوص مثلا کاهش درآمد مشمول مالیات خود صرف کنند با برنامه ریزی و استفاده از نیروهای مجرب و با سواد مالیاتی از این گونه جرائم دوری کنند و به نقدینگی و سرمایه خود کمک نمایند.

هنوز هم بسیار افرادی در اطراف ما هستند که از مقداری که قوانین برای آنها مالیات مشخص کرده بیشتر مالیات پرداخت می نمایند. آنها بایستی با بالا بردن اطلاعات مالیاتی خود و استفاده از مشاوران مالیاتی به رویکردها و سیاست هایی دست پیدا کنند تا مشمول جرائم سنگین مالیاتی در حال و آینده نشوند این رویکرد و سیاست ها باعث می شود کمترین چالش را با روی خشن مالیات داشته و بیشترین منفعت را به اشخاص و ذینفعان بنگاه های اقتصادی خود برسانند.

جامعه باید به سمت پرداخت بهینه مالیات پیش رود و این پرداخت بهینه به عواملی زیربنایی و ساختاری و همچنین عوامل علوم رفتاری بستگی دارد. ما در علوم رفتاری پرداخت مالیات با باور مالیاتی و آشنایی مودیان با قوانین و مقررات، اعتماد مردم به دولت و همچنین آگاهی از نقش مالیات در تامین رفاه عمومی مواجه هستیم و در عوامل ساختاری به زیر ساخت های فناوری اطلاعات، قوانین کارا و همچنین ارائه خدمت مشاوره ای برخورد داریم.

ضمانت اجرایی

در قانون ضمانت اجرایی برای هر دو رکن مالیاتی یعنی مأموران مالیاتی و مودیان مالیاتی دیده شده است.

مطابق ماده ۲۷۰ قانون مالیات های مستقیم :

مجازات تخلف مأموران مالیاتی و نمایندگان سازمان امور مالیاتی کشور در هیأت حل اختلاف در موارد زیر عبارت است از:

۱- هر گاه بعد از تشخیص مالیات و غیر قابل اعتراض بودن آن معلوم شود که مأموران مالیاتی و نمایندگان سازمان امور مالیاتی کشور عضو هیأت حل اختلاف مالیاتی از روی تعدد یا مسامحه بدون توجه به اسناد و مدارک مودی و بدون تحقیقات کافی در آمد مودی را کمتر یا بیشتر از میزان واقعی تشخیص داده‌اند، علاوه بر جبران خسارت وارده به میزانی که شورای عالی مالیاتی تعیین می نماید متخلف به مجازات اداری حداقل سه ماه و حداکثر پنج سال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.

۲- در مواردی که مالیات مودی بر اثر مسامحه و غفلت مأموران مالیاتی مشمول مرور زمان یا غیر قابل وصول گردد جز در مورد اظهارنامه‌هایی که در اجرای ماده (۱۵۸) این قانون رسیدگی به آن الزامی نیست مقصر به موجب رأی هیأت رسیدگی به تخلفات اداری از خدمات مالیاتی برکنار و حسب مورد به مجازات متناسب مقرر در قانون رسیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهد شد.

ضمناً نسبت به زیان وارده به دولت به میزانی که شورای عالی مالیاتی تشخیص می دهد متخلف مسئولیت مدنی داشته و وسیله دادستان انتظامی مالیاتی در دادگاه‌های حقوقی دادگستری به این عنوان دعوای جبران ضرر و زیان اقامه خواهد شد و در صورت وجود سوء نیت متهم وسیله دادستانی انتظامی مالیاتی مورد تعقیب جزایی قرار خواهد گرفت.

مأموران مالیاتی که امر مالیاتی مختوم را مجدداً مورد اقدام قرار دهند به موجب حکم هیأت رسیدگی به تخلفات اداری به انفصال از خدمات دولت از یک الی چهار سال محکوم می شوند و در مواردی که با دادن گزارش خلاف واقع در امر مالیاتی تعدداً وسایل تعقیب مودیانی را که بی تقصیرند فراهم سازند به موجب حکم دادگاه‌های دادگستری به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می شوند. دادگاه‌ها خارج از نوبت به این جرایم رسیدگی خواهند نمود.

این حکم شامل مأموران مالیاتی نیز خواهد بود که در موارد مذکور در مواد (۱۵۶) و (۲۲۷) و (۲۳۹) این قانون به طور کلی بعد از صدور برگ تشخیص در هر مرحله‌ای که باشد، بابت فعالیت دیگر مودی اعم از این که از همان نوع باشد یا نوع دیگر بدون به دست آوردن مدرک مثبت یا در خارج از مهلت مرور زمان مالیاتی موضوع مواد (۱۵۶) و (۱۵۷) این قانون مطالبه مالیات نمایند.

تبصره- تشریفات رسیدگی به تخلفات و مجازات آنها جز در مواردی که مقررات خاصی برای آن در این قانون پیش‌بینی شده است مطابق قانون رسیدگی به تخلفات اداری خواهد بود.

و در خصوص مودیان مالیاتی ماده ۲۷۴ قانون مالیات های مستقیم:

موارد زیر جرم مالیاتی محسوب می‌شود و مرتکب یا مرتکبان حسب مورد، به مجازات‌های درجه شش محکوم می‌گردند:

- ۱- تنظیم دفاتر، اسناد و مدارک خلاف واقع و استناد به آن
 - ۲- اختفای فعالیت اقتصادی و کتمان درآمد حاصل از آن
 - ۳- ممانعت از دسترسی مأموران مالیاتی به اطلاعات مالیاتی و اقتصادی خود یا اشخاص ثالث در اجرای ماده (۱۸۱) این قانون و امتناع از انجام تکالیف قانونی مبنی بر ارسال اطلاعات مالی موضوع مواد (۱۶۹) و (۱۶۹ مکرر) به سازمان امور مالیاتی کشور و وارد کردن زیان به دولت با این اقدام
 - ۴- عدم انجام تکالیف قانونی مربوط به مالیات‌های مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده در رابطه با وصول یا کسر مالیات مودیان دیگر و ایصال آن به سازمان امور مالیاتی در مواعد قانونی تعیین شده
 - ۵- تنظیم معاملات و قراردادهای خود به نام دیگران، یا معاملات و قراردادهای مودیان دیگر به نام خود برخلاف واقع.
 - ۶- خودداری از انجام تکالیف قانونی در خصوص تنظیم و تسلیم اظهارنامه مالیاتی حاوی اطلاعات درآمدی و هزینه‌ای در سه سال متوالی
 - ۷- استفاده از کارت بازرگانی اشخاص دیگر به منظور فرار مالیاتی
- تبصره ۱- اعمال این مجازات نافی اعمال محرومیت‌های مندرج در قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰/۰۸/۰۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیست.

تبصره ۲- اعلام جرائم و اقامه دعوی علیه مرتکبان جرائم مزبور نزد مراجع قضائی از طریق دادستانی انتظامی مالیاتی و سایر مراجع قانونی صورت می‌پذیرد.

و همچنین ماده قانون ۲۰۲ مالیات های مستقیم: (اصلاحیه ۱۳۹۴/۰۴/۳۱)

وزارت امور اقتصادی و دارایی یا سازمان امور مالیاتی کشور می تواند از خروج بدهکاران مالیاتی که میزان بدهی قطعی آنها از برای اشخاص حقوقی تولیدی دارای پروانه بهره برداری از مراجع قانونی ذی ربط از بیست درصد (۲۰٪) سرمایه ثبت شده و یا مبلغ پنج میلیارد (۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، سایر اشخاص حقوقی و اشخاص حقیقی تولیدی از ده درصد (۱۰٪) سرمایه ثبت شده (۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) میلیارد ریال و سایر اشخاص حقیقی از یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال بیشتر است از کشور جلوگیری نماید.

حکم این ماده در مورد مدیر یا مدیران مسئول اشخاص حقوقی خصوصی بابت بدهی قطعی مالیاتی شخص حقوقی اعم از مالیات بر درآمد شخص حقوقی یا مالیات هایی که به موجب این قانون شخص حقوقی مکلف به کسر و ایصال آن می باشد و مربوط به دوران مدیریت آنان بوده نیز جاری است . مراجع ذیربط با اعلام وزارت یا سازمان مزبور مکلف به اجرای این ماده می باشند.

حکم این ماده در مورد اشخاص عازم سفر واجب با درخواست و تأیید مراجع ذی ربط اعزام کننده مبنی بر میسر نبودن پرداخت بدهی مالیاتی مربوط، با أخذ تضمین لازم جاری نمی باشد.

تبصره: در صورتی که مؤدیان مالیاتی به قصد فرار از پرداخت مالیات اقدام به نقل و انتقال اموال خود به همسر و یا فرزندان نمایند سازمان امور مالیاتی کشور می تواند نسبت به ابطال اسناد مذکور از طریق مراجع قضایی اقدام نماید.

جمع بندی:

در جهت دستیابی به نقطه بهینه در خصوص تعامل سازمان امور مالیاتی با مودیان مالیاتی در سایه قوانین و مقررات بایستی ابتدا قوانین با نگاه حمایتی از سرمایه گذاری های مولد، اصلاح شده و گام بعدی پایه های مالیاتی برای اخذ مالیات گسترش پیدا کرده و تمرکز را از روی مالیات ستانی از فعالیتهای سهل

الوصول مالیاتی کمتر کرده و به پایه های دیگر مالیاتی توجه بیشتری نمود و در نهایت تغییر فرهنگ عمومی جامعه در خصوص پرداخت مالیات نیز به عنوان اهداف بلند مدت در تمامی نهادها و دستگاهها دیده شود.